

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تمايزات فقه و فقه سياسى

به اهتمام على اصغر نصرتى

پژوهشكده علوم و اندیشه سياسى

فهرست مطالب

سخنی با خواننده.....	۱۵
مقدمه.....	۱۹
۱. ضرورت و اهمیت فقه سیاسی.....	۲۱
۲. بررسی مفهوم فقه سیاسی.....	۲۳
فقه.....	۲۳
فقه سیاسی.....	۲۵
۳. وجوه بررسی تمایز فقه و فقه سیاسی.....	۲۷
گفتار اول: چرایی و جایگاه فقه و فقه سیاسی / احمد مبلغی.....	
۱. تعریف فقه.....	۳۲
تعریف مصطلح از فقه.....	۳۲
کشف نظام و کارکرد فقه.....	۳۳
توقف تعریف فقه سیاسی بر تعریف فقه.....	۳۳
احتمالات چهارگانه درباره فقه و نظام‌سازی.....	۳۴
۱. دلالت مطابقی نصوص بر وجود نظام.....	۳۴
۲. دلالت التزامی نصوص بر وجود نظام.....	۳۴
۳. دلالت مطابقی نصوص بر اصل نظام و دلالت التزامی بر نظام خاص...۳۵	۳۵

۱۱۵	تمایز موضوعی فقه و فقه سیاسی
۱۱۶	تمایز موضوعی فقه سیاسی و فقه حکومتی
۱۱۷	شمولیت فقه بر فقه سیاسی
۱۱۹	نگاه فقیه به مسائل سیاسی، فقیهانه یا موضوعی؟
۱۱۹	شمولیت فقه سیاسی بر فقه حکومتی
۱۲۱	جایگاه اصول و نصوص در فقه سیاسی
۱۲۴	۲. مبانی فقه سیاسی
۱۲۵	تعریف مبانی
۱۲۶	علل الشرائع و مقاصد الشرائع (موضوع‌شناسی و مسئله‌شناسی)
۱۳۰	مبانی فقه سیاسی از منظر انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی
۱۳۳	۳. منابع فقه سیاسی
۱۳۵	۴. فرصت تاریخی مناسب امروز برای توسعه فقه سیاسی
۱۳۶	تأثیر حکومت در ماهیت احکام
۱۳۷	۵. تلقی از ولایت فقیه منشأ برخورد فقها با حکومت‌های معاصر
۱۴۵	گفتار چهارم: فقه سیاسی و تحلیل پارادایمی / داود فیرحی
۱۴۶	۱. بازشناسی مفهومی تحلیل‌های پارادایمی
۱۴۶	نقش تحلیلی پارادایمی در آسیب‌شناسی علم
۱۴۷	پیش‌فرض‌های تحوّل پارادایمی
۱۴۷	۲. ویژگی‌ها و شرایط پیدایش پارادایم جدید
۱۵۰	۳. روند تمایز یا تفکیک پارادایمی
۱۵۱	۴. تمایز پارادایمی بین اندیشه‌های دینی کلاسیک و جدید
۱۵۳	۵. نقش عالمان در فضای انتقال پارادایمی

۳۵	۴. نظام‌سازی امری بشری است
۳۷	۲. تعریف فقه سیاسی
۳۸	پرسش و پاسخ
۴۷	۳. تعریف نظام
۵۱	۴. تفصیل رابطه فقه و فقه سیاسی

گفتار دوم: تمایزات فقه و فقه سیاسی از منظر ضرورت، موضوع و روش /

۶۳	سید محمد مهدی میرباقری
۶۴	۱. مفهوم‌شناسی فقه و فقه سیاسی
۶۴	مفهوم فقه
۶۸	مفهوم سیاست
۶۸	مفهوم فقه سیاسی
۷۰	۲. مناسبات تفقه دینی و دانش‌های بشری
۷۱	۳. رابطه معرفت دینی و فقه سیاسی
۷۱	انواع رابطه دین و علم
۷۲	انواع نظریه‌های قائل به رابطه دین با علم و عقلانیت
۷۳	نظریه حاکمیت علم بر معرفت دینی
۷۵	نظریه حاکمیت دین بر عقل
۷۶	۴. ضرورت تحوّل در روش تحقیق برای دستیابی به فقه سیاسی
۷۸	۵. پرسش و پاسخ

گفتار سوم: بازخوانی هویت و مبانی فقه سیاسی / عباسعلی عمید زنجانی

۱۰۷	۱. بازخوانی تعریف و هویت فقه سیاسی
۱۰۸	تعریف فقه سیاسی

۶. تبیین شرایط بی‌قراری اجتماعی در فضای انتقال از ترتیب عمودی به افقی.....	۱۵۴
۷. مشکلات شرایط گذار پارادایمی.....	۱۵۶
پرسش و پاسخ.....	۱۵۹

گفتار پنجم: گستره و قلمرو موضوعی فقه و فقه سیاسی / عبدالحسین خسروپناه.....

۱. تعریف فقه.....	۱۷۶
۲. گستره فقه.....	۱۷۸
۳. چیستی سیاست.....	۱۸۲
۴. تعریف فقه سیاسی.....	۱۸۳
۵. گستره فقه سیاسی.....	۱۸۴
۶. پیشینه علمی فقه سیاسی.....	۱۸۶
۷. تبیین نسبت بین فقه و فقه سیاسی.....	۱۸۷
۸. پرسش و پاسخ.....	۱۸۸

گفتار ششم: مسئله‌شناسی و موضوع‌شناسی فقه و فقه سیاسی / محسن غرویانی.....

۱. موضوع فقه و فقه سیاسی.....	۲۰۴
۲. موضوع‌شناسی در فقه.....	۲۰۴
۳. نقش عرف در موضوع‌شناسی فقهی.....	۲۰۷
۴. موضوع‌شناسی و مسئله‌شناسی در فقه سیاسی.....	۲۰۷
۵. رابطه موضوع‌شناسی فقه سیاسی با علوم انسانی جدید.....	۲۰۹
۶. آسیب‌شناسی فقه سیاسی.....	۲۱۰
۷. مکانیزم موضوع‌شناسی و رابطه آن با حکم‌شناسی.....	۲۱۱
پرسش و پاسخ.....	۲۱۳

گفتار هفتم: روش‌شناسی اجتهاد در فقه و فقه سیاسی /

سید نورالدین شریعتمداری جزایری.....	۲۲۷
۱. مفهوم‌شناسی اجتهاد.....	۲۲۸
مفهوم لغوی اجتهاد.....	۲۲۸
مفهوم اصطلاحی اجتهاد.....	۲۲۹
اختلاف مفهومی اجتهاد در نظر عالمان شیعه و سنی.....	۲۳۰
۲. موضوع اجتهاد به عنوان روش استنباط فقهی.....	۲۳۲
۳. کاستی‌ها و نارسایی‌های اجتهاد مصطلح.....	۲۳۴
۴. تفاوت روش فقه سیاسی و اجتهاد مصطلح.....	۲۳۹
۵. پرسش و پاسخ.....	۲۴۲

گفتار هشتم: منبع‌شناسی تطبیقی در فقه و فقه سیاسی / سیف‌الله صرامی.....

۱. مفهوم‌شناسی.....	۲۵۸
۲. بررسی مفهومی منبع.....	۲۵۸
تفاوت منبع و دلیل.....	۲۵۸
۳. بررسی مفهومی فقه.....	۲۵۹
۴. منبع‌شناسی فقه.....	۲۶۰
۵. بررسی مفهومی فقه سیاسی.....	۲۶۰
رابطه فقه سیاسی و احکام حکومتی.....	۲۶۱
۶. تمایز مفهومی فقه و فقه سیاسی.....	۲۶۳
۷. معیار اسلامی بودن فقه سیاسی.....	۲۶۵
۸. منبع‌شناسی در فقه سیاسی.....	۲۶۶

۲۷۰.....	۹. فقه سیاسی و فقه حکومتی.....
۲۷۴.....	۱۰. تفاوت منبع و دلیل در فقه سیاسی.....
۲۷۵.....	۱۱. معیارهای اسلامی شدن مصلحت‌سنجی.....
۲۸۵.....	گفتار نهم: کاستی‌ها و موانع فقه سیاسی در جامعه امروز / نجف لک‌زایی
۲۸۶.....	۱. مفهوم‌شناسی.....
۲۸۷.....	مفهوم فقه.....
۲۸۸.....	مفهوم فقه سیاسی.....
۲۹۰.....	۲. تمایز فقه سیاسی از فقه رایج.....
۲۹۵.....	۳. بایسته‌های فقه سیاسی کارآمد و مطلوب.....
۲۹۶.....	۴. موانع توسعه فقه سیاسی.....
۲۹۶.....	موانع تاریخی.....
۲۹۹.....	موانع فکری و معرفتی.....
۳۰۱.....	موانع مربوط به حوزه سیاست‌گذاری آموزش و پژوهش.....
۳۰۲.....	حاکمیت مکتب شیخ انصاری بر سنت آموزش حوزه.....
۳۰۲.....	۵. کاستی‌های فقه سیاسی.....
۳۰۳.....	۶. چالش‌های فقه سیاسی.....
۳۰۴.....	پرسش و پاسخ.....
۳۱۳.....	سخن پایانی.....
	گفتار دهم: آسیب‌شناسی پژوهش و نظریه‌پردازی در فقه سیاسی /
۳۱۵.....	سیدکاظم سیدباقری.....
۳۱۶.....	۱. مفهوم‌شناسی.....
۳۱۶.....	بررسی مفهومی آسیب‌شناسی.....
۳۱۷.....	مفهوم‌شناسی فقه سیاسی.....
۳۱۷.....	۲. آسیب‌های پژوهشی در فقه سیاسی.....
۳۱۹.....	عدم احساس مشکل و ضرورت.....
۳۲۰.....	روحیه اخباری‌گری.....
۳۲۱.....	فقدان نگاه جامع و جامعه‌نگر.....
۳۲۲.....	حکومتی و فرمایشی بودن پژوهش‌ها.....
۳۲۲.....	گسستگی پژوهش از واقعیات پیرامون.....
۳۲۳.....	۳. راهکارهای توسعه پژوهش در فقه سیاسی.....
۳۲۳.....	قالب‌شکنی روشمندان و متدولوژیک.....
۳۲۴.....	تأکید بر فهم محاوره‌ای.....
۳۲۵.....	بازخوانی و بازسازی اندیشه.....
۳۲۵.....	مداراجویی علمی.....
۳۲۶.....	گزینش دقیق موضوعات جدید.....
۳۲۶.....	۴. درآمدی بر نظریه‌پردازی فقه سیاسی.....
۳۲۷.....	فقه سیاسی، دانش مولد یا مصرف‌کننده؟.....
۳۲۷.....	آیا فقه سیاسی صرفاً دانشی پاسخگوست؟.....
۳۲۹.....	مفهوم‌شناسی نظریه.....
۳۲۹.....	ویژگی‌های نظریه.....
۳۲۹.....	رویکرد اجتماعی نظریه‌پردازی در فقه سیاسی.....
۳۳۰.....	بررسی حضور اجتهاد در نظریه‌پردازی.....
۳۳۲.....	۵. پرسش و پاسخ.....

چستی و گستره فقه.....	۳۶۲
چستی سیاست.....	۳۶۴
تعریف و گستره فقه سیاسی.....	۳۶۵
نسبت فقه و فقه سیاسی.....	۳۶۶
مسئله‌شناسی و موضوع‌شناسی در فقه و فقه سیاسی.....	۳۶۶
بررسی روش‌شناسی اجتهاد در فقه و فقه سیاسی.....	۳۶۸
مفهوم اجتهاد.....	۳۶۹
مفهوم اجتهاد در نگاه عالمان شیعه و سنی.....	۳۶۹
کاستی‌های اجتهاد مصطلح.....	۳۷۰
امتیازات روش فقه سیاسی.....	۳۷۲
منبع‌شناسی فقه و فقه سیاسی.....	۳۷۳
مفهوم‌شناسی «منبع».....	۳۷۳
منابع فقه.....	۳۷۴
منابع فقه سیاسی.....	۳۷۴
کاستی‌ها و چالش‌های فقه سیاسی.....	۳۷۶
مفهوم‌شناسی فقه سیاسی.....	۳۷۶
تمایز فقه سیاسی از فقه.....	۳۷۷
بایسته‌های فقه سیاسی مطلوب.....	۳۷۸
موانع توسعه فقه سیاسی.....	۳۷۹
کاستی‌ها و چالش‌های فقه سیاسی.....	۳۸۰
آسیب‌های پژوهش و نظریه‌پردازی در فقه سیاسی.....	۳۸۱
آسیب‌های پژوهشی فقه سیاسی.....	۳۸۱
راهکارهای توسعه پژوهش در فقه سیاسی.....	۳۸۳

ملاحظات پایانی.....	۳۴۵
چرایی و جایگاه فقه و فقه سیاسی.....	۳۴۵
مفهوم‌شناسی فقه، فقه سیاسی و نظام‌سازی.....	۳۴۶
نسبت فقه و فقه سیاسی.....	۳۴۹
رابطه فقه سیاسی با مبانی دین و عقل.....	۳۴۹
تمایزات فقه و فقه سیاسی از منظر ضرورت، موضوع و روش.....	۳۵۱
بررسی مفهومی فقه و فقه سیاسی.....	۳۵۱
مناسبات فقه سیاسی و معرفت دینی.....	۳۵۳
فقه سیاسی و روش.....	۳۵۴
بازخوانی هویت و مبانی فقه سیاسی.....	۳۵۵
بررسی مفهومی فقه سیاسی.....	۳۵۵
مبانی فقه سیاسی.....	۳۵۶
منابع فقه سیاسی.....	۳۵۷
فقه سیاسی و تحلیل پارادایمی.....	۳۵۷
مفهوم‌شناسی تحلیلی پارادایمی.....	۳۵۷
پیش‌فرض‌های تحوّل پارادایمی.....	۳۵۸
ویژگی‌های پیدایش پارادایم جدید.....	۳۵۸
فرآیند تفکیک پارادایمی.....	۳۵۹
تمایز پارادایمی اندیشه‌های دینی کلاسیک و جدید.....	۳۶۰
نقش عالمان در فضای انتقال پارادایمی.....	۳۶۱
مشکلات شرایط گذار پارادایمی.....	۳۶۱
گستره و قلمرو موضوعی فقه و فقه سیاسی.....	۳۶۲

یافته‌ها و دستاوردها.....	۳۸۴
چالش‌های فراوی فقه سیاسی.....	۳۸۶
خاتمه.....	۳۸۹

کتاب‌نامه.....	۳۹۱
----------------	-----

سخنی با خواننده

پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی نویدبخش حضور فعال دین در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی بود. این ایده در سطح ملی ترسیم‌کننده هویت دینی - ملی و حیات سیاسی - اجتماعی ایرانیان و در سطح فراملی تبیین‌کننده ضرورت بازسازی تمدن اسلامی و اعاده هویت و عزت به مسلمانان در دوران معاصر بود. ترسیم هویت دینی - ملی و تلاش برای بازسازی تمدن اسلامی، پرسش‌ها و معضلاتی جدید را در دو سطح مذکور به وجود آورد که تاکنون منابع دینی و دین‌داران در عرصه علوم و مراکز علمی با آن به طور جدی مواجه نشده بودند. پاسخگویی به این پرسش‌ها و معضلات، بی‌تردید نیازمند بازنگری در مبانی و بینش حاکم بر علوم رایج انسانی و اجتماعی در کنار بازگشتی روش‌مند و نقادانه به سنت فکری است. این بازنگری ضمن فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از توانمندی‌های سنت و دانش سنتی، امکان استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علوم جدید در دوران معاصر را به ارمغان می‌آورد؛ بنابراین وظایف مراکز علمی و پژوهشی در جمهوری اسلامی، بسی سنگین است. این مراکز از سویی، رسالت پاسخگویی به پرسش‌ها و معضلات فکری را برعهده دارند و از سوی دیگر، به فرهنگ‌سازی و تولید فکر و اندیشه به عنوان عناصر و لوازم اصلی احیای تمدن اسلامی باید اولویت دهند.

نمایه.....	۳۹۵
آیات.....	۳۹۵
روایات.....	۳۹۶
اصطلاحات.....	۳۹۷
اشخاص.....	۴۰۳
کتاب‌ها.....	۴۰۶
مکان‌ها.....	۴۰۷

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، در راستای ترویج و گسترش علم و دانش، آثار خود را در اختیار جامعه علمی قرار داد است و پیشاپیش از انتقادات و پیشنهادهای علمی همه استادان، صاحب نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌ها موجبات رشد و پویایی فرهنگ سیاسی - دینی و زمینه‌های گسترش اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

دکتر نجف لکزایی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی نیز با تلاش در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و معضلات فکری مربوط به حوزه پژوهشی خود و فراهم‌ساختن زمینه‌های لازم برای بازتولید فرهنگ سیاسی - دینی و ارائه دانش سیاسی مبتنی بر منابع اسلامی، هویت‌شناسی و هویت‌سازی در زمینه‌های فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و علوم سیاسی را به‌عنوان مهم‌ترین اهداف خود دنبال می‌کند. این پژوهشکده با فراهم‌کردن زمینه‌های رشد نیروی انسانی در عرصه پژوهش‌های سیاسی با رویکردهای فلسفی، فقهی و علمی، تلاش می‌کند در جهت عزم و اراده ملی برای احیای تمدن اسلامی گام بردارد.

اثر حاضر محصول تلاش فکری پژوهشگر فرهیخته آقای حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای علی‌اصغر نصرتی با هدف ترسیم تمایزات فقه سیاسی و فقه به‌منظور تبیین هویت معرفتی فقه سیاسی و ارتقای جایگاه آن در قلمرو دانش‌های سیاسی اسلامی است.

اجرای این پژوهش و غنای علمی آن مدیون تلاش‌های ارزنده مدیر محترم گروه فقه سیاسی حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر منصور میراحمدی، ناظر محترم حجة الاسلام والمسلمین آقای احمد مبلغی، ارزیابان محترم حجة الاسلام والمسلمین سید سجاد ایزدهی و حجة الاسلام والمسلمین حسنعلی علی اکبریان، مدیر محترم امور پژوهشی آقای رجبعلی اسفندیار و کارشناس محترم پژوهش گروه آقای محمود فلاح و متصدیان اجرایی پژوهشکده است که جا دارد از زحمات و تلاش‌های آنان قدردانی به‌عمل آید. همچنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حسین توسلی تشکر می‌کنم که بدون حمایت‌ها و مساعدت‌های بی‌دریغ و مؤثر ایشان پژوهش حاضر به سرانجام نمی‌رسید.

مقدمه

پیامبر عظیم‌الشان اسلام عزیز را که عصاره دعوت تمامی انبیای الهی و نسخه نهایی و جامع هدایت بشری است، برنامه هدایت و مدیریت دستیابی انسان و جوامع انسانی به سعادت، معرفی کرده است. جامعیت اسلام به هدایت‌گر بودن آن در کلیه عرصه‌ها و ابعاد حیات انسانی اعم از فردی، اجتماعی و تاریخی است. اگر اسلام، همان‌گونه که پیامبر گرامی - مطابق اراده خداوند - برنامه‌ریزی کرده بود، پیش می‌رفت، قطعاً امروز، شاهد حضور ملموس و جدی آن در لایه لایه زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌بودیم. کنار گذاشتن عدوانی اسلام (به‌عنوان راهبرد و برنامه) و ائمه معصومین (به عنوان اولیای دین و رهبران اجتماعی) موجب شد که چهره‌نمایی و فایده‌رسانی حداکثری اسلام به همه بشریت متوقف شود و تجسم کامل اسلام که مشروط به حضور امام و ولی اجتماعی الهی در رأس قدرت نظام سیاسی جهانی است، اتفاق نیفتد.^۱

۱. آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...» (مائده: ۶۷) ناظر بر این است که کنه رسالت نبی اکرم امامت بر جامعه و ادامه تاریخ بشری تا قیامت است. با انضمام آیه «الْيَوْمَ يَنْتَسِبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاحْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِيناً...» (مائده: ۳) این معنا تأکید بیشتری می‌یابد که اسلام به‌عنوان دین جاودانه با اعلان ولایت و امامت امام علی **7** از جانب خداوند تحکیم و تنبیت می‌شود.

نظریه‌پردازی در فقه سیاسی» و همچنین «کاستی‌ها و موانع فقه سیاسی در جامعه امروز».

۱. ضرورت و اهمیت فقه سیاسی

در طول تاریخ تشیع، ائمه معصومین $\square$ در دوره حضور و عالمان شیعه در دوره غیبت امام عصر (عج)، اهتمام جدی به اقامه حکومت اسلامی و برقراری مناسبات حاکمیت الهی داشته‌اند، لکن معمولاً چنین فرصت‌هایی در اختیار آنان قرار نمی‌گرفت و عالمان شیعه در حاشیه جامعه سیاسی بودند و به صورت فردی و محدود، تنها به تعلیم، تحقیق و پاسخگویی به امور دینی شیعیان اشتغال داشتند؛ از همین رو آنچه از دین به طور اعم و فقه به طور اخص به عرصه زندگی وارد شد، بخش‌های مربوط به زندگی فردی و امور فرعی بود؛ بنابراین مباحث مربوط به حیات اجتماعی و سیاسی شیعیان کمتر در دایره موضوعات پژوهش عالمان قرار می‌گرفت. لاجرم فقه در امور فرعی و فردی رشد کرد و فقها در عرصه سیاسی و اجتماعی یا ورود جدی پیدا نکردند و یا اگر به صورت موردی به آن پرداختند، در ذیل فروع فقهی و به صورت حاشیه‌ای با آن برخورد شد، چنانکه اگر برخی فقیهان به مسئله ولایت فقیه توجه کرده‌اند، آن را در ضمن مباحث فقهی‌ای چون مکاسب محرمة و البیع بررسی نموده‌اند.

از دوره صفویه به این سو، رویکرد عالمان و فقهای شیعه به حوزه سیاست و جامعه، دچار تغییر و دگرگونی اساسی شد و کتاب‌های مستقلی در باب تبیین رهبری جامعه اسلامی در عصر غیبت، بررسی ولایت فقیه و حدود اختیارات و وظایف آن (به عنوان شخص یا نهاد) تدوین شد، تا آنجا که شاهد حضور جدی برخی از آنان در مسائل و چالش‌های سیاسی - اجتماعی و حتی احساس

از آنجا که احکام اسلامی، احکام هدایت نوع بشر هستند، مطلوبیت ذاتی ندارند، بلکه قوانین اقامه عدل و استقرار نظام عادلانه به شمار می‌روند. امام خمینی $\square$ می‌نویسد: «... احکام، قوانین اسلام و شأنی از شئون حکومت اسلام است، بلکه احکام مطلوبات بالعرض و امور آلیه هستند که برای حکومت و اقامه عدل در جامعه وضع شده‌اند».^۱ از همین رو در سخن دیگری نسبت حقیقی حکومت و فقه را به این صورت بیان می‌کند: «حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است».^۲ بنابراین اصل و اساس دین، برقراری حکومت اسلامی با رهبری مورد تأیید خداوند و اولیای معصوم است. با اقامه حکومت اسلامی، ارتباط ولایی انسان‌ها با نظام ولایت الهیه معنا و تحقق پیدا می‌کند. گذشته از اصل امامت و ولایت الهیه، که در دوره غیبت کبرای امام عصر (عج) در شکل ولایت فقیه بروز و تجلی می‌یابد، کیفیت اداره جامعه اسلامی، مستند به قرآن و سنت نیز با فقه سیاسی سامان می‌یابد.

فقه سیاسی در چالش نظری بین دیدگاه‌هایی که آن را سلب می‌کنند تا دیدگاه‌هایی که در اثبات آن راه‌هایی را از حداقل تا حداکثر طی می‌کنند، قرار گرفته است. از منظر دیدگاه‌های سلبی و برخی دیدگاه‌های حداقلی، نقاط تمایز و توجیه‌کننده فقه سیاسی در مقابل فقه، هنوز به خوبی روشن یا دفاع پذیر نیست. این تحقیق ناظر به نگاه مقایسه‌گونه بین فقه و فقه سیاسی، به منظور تبیین صریح‌تری از فقه سیاسی در نسبت سنجی با فقه است، گرچه در برخی مؤلفه‌ها بدون اینکه مقایسه‌ای در میان باشد، به فقه سیاسی پرداخته می‌شود، مانند: «فقه سیاسی و تحلیل پارادایمی»، «آسیب‌شناسی پژوهش و

۱. روح‌الله خمینی؛ کتاب البیع؛ ج ۲، ص ۶۳۳.

۲. همان، ص ۴۷۲.

وظیفه دینی برای قرارگیری در محوریت قدرت و مدیریت جامعه اسلامی هستیم. انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در ایران به دست امام خمینی و اوج این رویکرد بوده و اندیشه‌های رهبری آن نظام - به عنوان عالم شیعی مسلط به فقه، فلسفه، کلام، عرفان و آگاه به زمان و مسائل تاریخی، سیاسی و اجتماعی - نسخه‌ای روشن و جامع از الگوی مفهومی اداره آن نظام به شمار می‌رود.

در این نظام و سازمان اندیشه‌ای، اسلام دین پاسخگوی نیازها و برنامه حیات فردی و اجتماعی جلوه می‌کند و عالمان دینی در این میان، مرجعیت و مسئولیت اقامه نظامات اجتماعی اسلام را پیدا می‌کنند.

همپای برجسته‌شدن رویکرد و نقش اجتماعی و سیاسی دین و نهاد روحانیت، نگاه به فقه نیز که مهم‌ترین مأخذ و منبع برنامه زندگی مؤمنانه است، دچار تحوّل اساسی شد، به نحوی که فقه سیاسی و مقوله‌هایی چون فقه الحکومه، فقه الدولة الاسلامیه، فقه اداره نظام اسلامی، احکام حکومتی به عنوان شاخه‌هایی متفرع بر فقه، لکن با رویکرد پاسخگویی به معضلات نظام سیاسی اجتماعی، مورد توجه قرار گرفتند و در سطحی محدود بین دانش‌آموختگان و صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه به‌ویژه در رشته‌های مرتبط با علوم سیاسی متداول شد و به عنوان واحد درسی، گرایش و حتی رشته تحصیلی توجیه یافت.

فقه سیاسی، به عنوان منبع تئوریک نظام و تمدن اسلامی، ضرورت جدی بررسی، تجزیه و تحلیل و حتی مهندسی و بازتولید دارد. در وهله اول، برای تبیین بهتر جایگاه فقه سیاسی در جغرافیای علوم اسلامی باید آن را با فقه مقایسه کرد تا نقاط تمایز و تطابق آن دو نسبت به هم معلوم شود. برای بررسی مفهوم فقه سیاسی، لازم است مفاهیم فقه، سیاست و دیدگاه‌های مختلف درباره فقه سیاسی تبیین شود.

۲. بررسی مفهوم فقه سیاسی

فقه سیاسی اصطلاحی مرکب است؛ واژگان اصلی آن، «فقه» و «سیاست» اند که، به اجمال بررسی مفهومی خواهند شد.

فقه

علم فقه محصول بیش از ۱۳۰۰ سال تلاش فقیهان با درس‌آموزی و الگوگیری از مکتب ائمه ^۱ است. فقیهان به دنبال آن بوده‌اند که وظیفه شرعی مؤمنان را از منابع احکام، استنباط و ارائه کنند. در تعریف فقه آمده است: «الفقه فی اللغة الفهم و فی الاصطلاح، هو العلم بالاحکام الشرعیة الفرعیة عن ادلتها التفصیلیة».^۱ در این تعریف، قید احکام، علم به ذوات اشیا، قید شرعی، علم به احکام عقلیه، قید فرعیه، علم به اصول و قید ادلة تفصیلیه، علم مقلد را خارج می‌سازد.

محصول فقه احکام تکلیفی و وضعی است که هر مسلمانی مکلف به رعایت آن است. امام خمینی با رویکردی متفاوت از یک‌سو، می‌نویسد احکام شرعی، قوانین اسلام هستند و این احکام شأنی از شئون حکومت می‌باشند^۲ و از سوی دیگر، حکومت را فلسفه عملی فقه می‌داند.^۳

تفاوت نگاه امام خمینی و پیشینیان و سایرین، در سعه و ضیق موضوع یا افزودن وصف اضافی نیست، بلکه امام از منظری دیگر به فقه نگاه می‌کند و آن را نه به عنوان هویت مستقل، بلکه در چارچوب حکومت مشاهده

۱. شهید اول؛ القواعد والفوائد؛ ج ۱، ص ۳۰.

۲. روح‌الله خمینی؛ البیع؛ ج ۲، ص ۶۳۳.

۳. همو، صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۲۸۹.

می‌نماید؛ یعنی نمی‌توان فقه را دید و تعریف کرد، اما حکومتی را که از این به عنوان شأن حقوقی بهره می‌گیرد، از نظر دور داشت. با این رویکرد بیشتر کتب فقه، سیاست است.^۱

در جمع‌بندی از تعریف فقه، دو سطح تعریف از آن می‌توان ارائه کرد: سطح اول، فقه رایج و سنتی است که گفتمان غالب حوزه‌های علمیه و از ۱۳۰۰ سال پیش تا کنون، منبع احکام تکالیف جامعه ایمانی بوده است. در این سطح، با توجه به کارآیی مورد انتظار از فقه، همان تعریف متداول، رایج است که آن را علم به احکام شرعی فرعی می‌دانند که از دلایل تفصیلی شامل: کتاب، سنت، عقل و اجماع حاصل شده باشد. شاهد آن نظام آموزش و تحقیقات فقهی است که معمولاً به مبتلا بهات فردی و اجتماعی محدود می‌پردازد. سطح دوم، فقهی است که هم نگاه به جامعه کنونی، حکومت، سیاست و مدیریت نظام اسلامی دارد و هم متوجه آینده، تمدن اسلامی و اداره جامعه بشری است. در این سطح، فقه تعریفی وسیع‌تر از فقه فردی پیدا می‌کند. در اینجا فقه باید عهده‌دار راهبردها، قوانین، برنامه‌ها و احکام هدایت فرد، جامعه و تاریخ باشد، همانند انتظاراتی که امام خمینی رحمه‌الله از فقه مطرح می‌کند که البته متوجه فقه مطلوب است. ایشان در یک سطح فقیه را کسی می‌داند که علاوه بر احکام و شریعت اسلام، بر قوانین و نظام‌های دینی هم آگاهی داشته باشد؛ یعنی «دین‌شناس به تمام معنای کلمه باشد».^۲ وی در سطح و افقی بالاتر معتقد است: «حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشر است. حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از

۱. همان، ج ۱۳، ص ۱۲.

۲. همو؛ ولایت فقیه، ص ۷۸.

گهواره تا گور است».^۱ براساس این نگاه، مجتهد واقعی و درحقیقت اجتهاد واقعی، علاوه بر آگاهی بر اصول فقه، رجال و دیگر مقدمات اجتهاد، ویژگی‌هایی دارد که عبارت‌اند از:

۱. شناخت زمان و مکان؛
۲. شناخت دقیق روابط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای شناخت زمان آگاهانه از موضوعات جدید؛
۳. احاطه به مسائل زمانه؛
۴. آشنایی با روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان؛
۵. داشتن بصیرت، دید اقتصادی و اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان؛
۶. درک موقعیت جهان و استراتژی حاکم بر آن؛
۷. شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسی‌ها و فرمول‌های دیکته شده آنان؛
۸. مدیر و مدبر بودن؛
۹. زیرکی، هوش و فراست هدایت جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی.^۲

فقه سیاسی

فقه سیاسی یک اصطلاح علمی نوپدید است و پیشینه‌ای بیش از چند دهه در فرهنگ حوزه‌های شیعی ندارد؛ بنابراین تمامی تعاریف این اصطلاح حاصل نوآوری صاحب‌نظران در دهه‌های اخیر است. یکی از نویسندگان آورده است: «فقه سیاسی اسلام مجموعه قواعد و اصول فقهی و حقوقی است

۱. همو، صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۲۸۹.

۲. سید کاظم سید باقری؛ فقه سیاسی شیعه؛ ص ۳۴۶.

علوم مضاف است که از ترکیب اضافی دو دانش فقه و سیاست حاصل شده است. از این نظر می‌توان گفت فقه است با وصف اضافی سیاسی، یعنی وقتی علم فقه بررسی، شناخت، تعیین راهبردها، سیاستگذاری، نظریه‌پردازی و پاسخگویی به مسائل سیاسی جامعه انسانی را در دستور کار خود قرار می‌دهد، فقه سیاسی شکل می‌گیرد. در اینجا تمایز موضوعی، به عنوان اولین و جدی‌ترین تمایز بین فقه سیاسی با فقه رخ می‌نماید و جداسازی فقه به عنوان دانشی عمومی و فقه سیاسی به عنوان دانشی تخصصی که در چارچوب کلی نظری و منابع و روش فقه عمل می‌کند، صورت می‌پذیرد. هرچند به نحو تفصیلی در مؤلفه‌های جهت، کاربرد، منابع و روش، فقه سیاسی دارای ویژگی‌ها و اختصاصات منحصر به فردی خواهد شد که آن را به مثابه یک دانش تخصصی خاص متمایز می‌سازد.

البته در یک فرض و با منظری دیگر که «الاسلام هوالحکومة والاحکام شأن من شئونها»^۱، شاید بتوان از لوازم آن استفاده کرد که فقه سیاسی در رتبه شامل تری از فقه احکام فرعی قرار می‌گیرد؛ بنابراین جا دارد آن را دانش راهبردی زمینه‌ساز پیدایش سایر موضوعات و دانش‌ها بدانیم که سایر دانش‌ها همچون فقه، تحت تأثیر و تابع آن، مفهوم و جایگاه پیدا می‌کنند.

سرانجام می‌توان فقه سیاسی را مجموعه احکام، قوانین و مقررات نظام سیاسی اسلام دانست که برگرفته از قرآن و سنت، با روش اجتهادی مبتنی برنقل، عقل و مصلحت اسلام و جامعه اسلامی است.

۳. وجوه بررسی تمایز فقه و فقه سیاسی

در این تحقیق، بررسی تمایزات فقه و فقه سیاسی ضمن محورهای است

که عهده‌دار تنظیم روابط مسلمین با خودشان و با ملل غیرمسلمان عالم بر اساس مبانی قسط و عدل بوده و تحقق فلاح و آزادی عدالت را منحصراً در سایه توحید عملی می‌داند»^۱. ایشان همچنین در قسمتی دیگر از کتاب خود، فقه سیاسی را بررسی مسائل سیاسی از دید فقه دانسته، می‌نویسد: «قسمتی از فقه به اداره اجتماع، از قبیل امامت و ولایت و رهبری، نصب امرای ارتش، جمع‌آوری وجوهات شرعی، جلوگیری از زشتی‌ها و منکرات، برگزاری مراسم هفتگی یا سالانه، مانند نماز جمعه و حج، حفظ و احیای حقوق مردم، تنظیم روابط جوامع اسلامی با کشورها و جوامع غیرمسلمان و ... مربوط می‌شود. این قسمت از فقه اسلام را فقه سیاسی می‌نامیم»^۲. صاحب‌نظری دیگر می‌نویسد: «فقه سیاسی شامل آن دسته از مباحث حقوقی می‌شود که تحت عناوینی چون حقوق اساسی، حقوق بین‌الملل و نظایر آن مطرح می‌گردد»^۳. همین نویسنده با مصداقی‌تر کردن موضوعات می‌نویسد: «فقه سیاسی اسلام عنوانی است که امروزه ما بر کلیه مباحثی که در زمینه‌هایی مانند جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حسبه، خراج، ولایات و ولایت فقیه در فقه اسلام مطرح بود، اطلاق می‌کنیم»^۴.

یکی دیگر از صاحب‌نظران در بیانی کوتاه و جامع می‌گوید: «فقه سیاسی به مجموعه‌ای از احکام شرعی ناظر بر زندگی اجتماعی و سیاسی در هر جامعه اطلاق می‌شود»^۵.

از منظر شرح الاسمی و حتی رویکردهای متعارف، فقه سیاسی یکی از

۱. ابوالفضل شکوری؛ فقه سیاسی اسلام؛ ص ۷۶.

۲. همان، ص ۴۱.

۳. عباسعلی عمید زنجانی؛ فقه سیاسی؛ ج ۲، ص ۴۱.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۱.

۵. احمد مبلغی؛ «گفتگوی بازنندیشی تحول فقه سیاسی پس از انقلاب اسلامی»، جام‌جم آن‌لاین؛ ص ۱.

۱. امام خمینی؛ البیع؛ ج ۲، ص ۶۳۳.

مباحث مطرح شده در این نشست‌ها این امکان را در اختیار می‌گذارد که هم به ظرفیت‌های موجود در بحث تمایزات برسیم و هم خلأها و نیازهای پژوهشی در این زمینه را آشکار کنیم. روش بررسی در این نشست‌ها این گونه است که پرسش‌های اساسی درباره موضوع‌ها از پیش در اختیار استادان قرار گرفته است. در جلسه‌ها ضمن تلاش دبیر نشست و استادان محترم بر رعایت بررسی محورهای مورد نظر، صاحب‌نظران حاضر در جلسه نیز فرصت کافی در اختیار داشته‌اند که از نکات مبهم یا مشکل پیرسند، آنها را به چالش بکشند و یا نظریات متفاوتی ارائه دهند.

در همین جا لازم است از استادان بزرگواری که ارائه بحث کردند، همچنین استادان و پژوهشگران ارجمند آقایان: حسین احمدی، رجبعلی اسفندیار، رضا اسلامی، سید سجاد ایزدهی، اسماعیل پرور، ابوالحسن حسینی، محمد سلمان، محمدعلی سواد، سیدکاظم سید باقری، روح‌الله شریعتی، سیف‌الله صرامی، حسنعلی علی‌اکبریان، رضا عیسی‌نیا، محمود فلاح، شریف لک‌زایی، عبدالمجید مبلغی، سیدضیاء مرتضوی، محسن مهاجرنیا، منصور میراحمدی، سید محمد مهدی میرجلیلی، عبدالله نظرزاده، احمد رضا یزدانی مقدم و سرکار خانم نجمه کیخا، که با حضور فعال در نشست‌ها و پرسش‌ها و اظهارنظرات عالمانه و راهگشای خود بر غنای مباحث افزودند، سپاسگزاری کنم.

علی اصغر نصرتی

که عمدتاً ناظر به مباحث فلسفه علم، کارآمدی و چالش‌هاست؛ بنابراین نشست‌های علمی که در همین زمینه برگزار شده، حول ده عنوان تنظیم گردیده است:

۱. چرایی و جایگاه فقه و فقه سیاسی؛ استاد حجة الاسلام والمسلمین احمد مبلغی
۲. تمایزات فقه و فقه سیاسی از منظر ضرورت، موضوع و روش؛ استاد حجة الاسلام والمسلمین سید محمد مهدی میرباقری.
۳. بازخوانی هویت و مبانی فقه سیاسی؛ استاد آية الله عباسعلی عمید زنجانی.
۴. فقه سیاسی و تحلیل پارادایمی؛ استاد حجة الاسلام والمسلمین داود فیرحی.
۵. گستره و قلمرو موضوعی فقه و فقه سیاسی؛ استاد حجة الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه.
۶. مسئله‌شناسی و موضوع‌شناسی فقه و فقه سیاسی؛ استاد حجة الاسلام والمسلمین محسن غرویان.
۷. روش‌شناسی اجتهاد در فقه و فقه سیاسی؛ استاد آية الله سید نورالدین شریعتمدار جزایری.
۸. منبع‌شناسی تطبیقی در فقه و فقه؛ استاد حجة الاسلام والمسلمین سیف الله صرامی.
۹. کاستی‌ها و موانع فقه سیاسی در جامعه امروز؛ استاد حجة الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک‌زایی.
۱۰. آسیب‌شناسی پژوهش و نظریه‌پردازی در فقه سیاسی؛ استاد حجة الاسلام والمسلمین سید کاظم سید باقری.